درود پرشور به مردم مبارز تهران!

تظاهرات اسفند ۴۸ نموداری از بیداری و رشد روز افزون پیکار جوئی توده هاست.

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

نامهٔ کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بمناسبت سدهٔ میلاد و. ئی. لنین

رفقای عزیز!

از جانب خود و سراسر حزب و کلیه زحمتکشان کشورمان بمناسبت سدهٔ میلاد پیشوای دائمی زحمتکشان سراسر جهان و بنیاد گزار حزب کمونیست اتحاد شوروی ولادیمیر ایلیچ لنین بشما شادباش میگوئیم.

تحت رهبری لنین نخستین کشور سوسیالیستی جهان ایجاد شد، کشوری که اکنون در کار ساختمان نخستین جامعهٔ کمونیستی تاریخ است.

دنباله در صفحه ۳

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی پرولتاریای سراسر جهان، روز تجدید عهد کارگران همه کشور ها در اتحاد و همرزمی علیه استثمار، روز قدرت نمائی طبقه کارگر در برابر صف متحد بهره کشان داخلی و خارجی، بشما درود پر شور میفرستد.

خواهران و برادران کارگر!

یکسال دیگر از زندگی رنجبار و پر مشقت شما میگذرد. طی سال گذشته برخلاف ادعاهای پر هیاهوی زمامداران رژیم نه تنها در وضع معیشت و زندگی شما بهبودی حاصل نشده بلکه باز هم تنگدستی و محرومیت های مادی و معنوی شما افزایش یافته است. ترقی روز افزون هزینهٔ زندگی بویژه قیمت اقلام ضروری مورد نیاز مردم زحمتکش منضم با بیکاری مزمن که اکنون شامل بیش از یك میلیون نفر از افراد فعال کشور ما میشود روز بروز بر فقر و تیره روزی شما میافزاید و در حالیکه حد اقل مخارج زندگی یك خانواده کارگری در شرایط کنونی نمیتواند کمتر از ۶۰۰۰ ریال باشد تازه دولت وعده میدهد که دستمزد های روزانه را بین ۵۰ تا ۶۰ ریال تثبیت نماید.

منظور رژیم ضدملی و ضد دموکراتیك ما کم بر کشور ما این نیست که وضع زندگی کارگران و زحمتکشان را بهتر کند بلکه میخواهد از اجراء بهره کشی بیرون از حد سرمایه داران خارجی و داخلی را لااقل برای مدت درازی تثبیت کند و در تثبیت دستمزد ها بویژه با ترقی منظم هزینه زندگی نیز

دنباله در صفحه ۷

درسهای آموزندهٔ تظاهرات مردم تهران

تظاهرات اسفند ماه تهران، نمونه درخشان دیگری از استواری و پایداری مردم را در برابر زور کوئی و تعدی رژیم نشان داد و دیگر بار مسلم شد که «جزیرهٔ ثبات» اعلیحضرت از هیچ ثباتی برخوردار نیست. با آنکه دولت سعی وافر نمود که تظاهرات مردم را قطعه‌ئی شرکت واحد اتوبوسرانی وانمود کند و خود را از آماج حمله کنار کشد ولی تظاهرات درست پس از تسلیم بودجه به مجلس و گرانی بهای بنزین صورت گرفت و شعار های تظاهرات بروشنی حاکی از تعرض مردم به رژیم بود.

چه عللی موجب پیروزی تظاهرات شد،

۱) انتخاب صحیح شعار

شعار مبارزه مورد علاقهٔ اکثریت قریب باتفاق توده‌های مردم بود و بهمین علت توانست بسیج کننده باشد. بروشنی اثبات شد که یافتن مناسبترین شعار که مستقیماً از خواست توده ها منشأ گیرد و بتواند عده بیشتری را به دور خود جمع کند شرط مهم پیروزی است.

— دعوت مردم به سوار نشدن اتوبوس، چون جنبه «ترك فعل» داشت، از عهده‌شمه مردم برمیآمد و نمیتوانست برای هجوم پلیس و سازمان امنیت بهانه‌ای بدست دهد، زیرا کسی را نمیتوان مجبور نمود که حتماً سوار اتوبوس شود.

— با تعرض به یك شرکت سرمایه داری مشخص علاً سیاست مالیاتی خود دولت هدف قرار گرفت.

— شعار مشخص اقتصادی در لحظهٔ معین به شعار عمومی تبدیل شد، بدین ترتیب که شعار «مردم تهران برای اعتراض به گرانی

بقیه در صفحه ۷

یك پیروزی درخشان نیروهای ضد امپریالیستی درخاور میانه

حل مسئله کرد در عراق

روز ۲۰ اسفند ماه ۱۳۴۸ رسماً در بغداد اعلام شد که از مذاکرات میان دولت عراق و جنبش ملی کرد برهبری ملا مصطفی بارزانی نتایج مثبت بدست آمده و موافقت نامه‌ای حاوی ۱۵ ماده بامضاء طرفین رسیده است.

چنانکه از متن انتشار یافتهٔ موافقتنامه بر میآید سند مزبور یك سلسله از خواستهای دموکراتیك ملت کرد جواب مثبت داده است. حقوق ملی این ملت و خود مختاری آن در چهارچوب جمهوری عراق وحق آموزش بزبان مادری و خود مختاری اداری و فرهنگی خلق کرد برسمیت شناخته شده است. بعلاوه طرفین توافق کرده اند که از هم اکنون ۵ وزیر کرد در حکومت عراق شرکت کنند و معاون ریاست جمهور نیز از طرف حزب دموکرات کردستان تعیین و معرفی گردد، در قانون اساسی بنحوی تجدید نظر بعمل آید که حقوق ملت کرد و حق خود مختاری آن تصریح شود و ملت کرد امکان یابد که به تناسب جمعیت خود در مجلس عراق نماینده داشته باشد.

بدینطریق موافقت نامهٔ ۲۰ اسفند به جنگ داخلی ۹ ساله‌ای که بین جنبش دموکراتیك خلق کرد و دولت مرکزی عراق در جریان بود پایان میبخشد و زمینهٔ مساعدی برای حل پاره‌ای مسائل دیگر که در حال تعلیق است فراهم میسازد.

نمایشهای توده‌ای عظیمی که در بغداد و سایر شهرهای عراق نمایندهٔ امضاء موافقت

بقیه در صفحه ۱۰

دیدار ارفورت

یك حادثه تاریخی

روز ۱۹ مارس گذشته، در شهر ارفورت در جمهوری دموکراتیك آلمان، یك دیدار تاریخی روی داد که بیشك در آینده اروپا، آثار مهم آن دیر یا زود آشکار خواهد شد.

در این روز، صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان ویلی برانت، با رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك آلمان ویلی اشتف، ملاقات کرد و طرفین مذاکره، نظریات خود را در باره مناسبات دو کشور و تحول آتی این مناسبات تشریح کردند. این نخستین بر خورد میان سران دو دولت بود و بدیهی است که در یك جلسه امکان طرح و حل تمام مسائل وجود نداشت. بدین جهت، در پایان مذاکرات، توافق شد بر خورد جدیدی میان رؤسای دو دولت، این بار در شهر کاسل در آلمان غربی، در ۲۱ مه ۱۹۷۰ بعمل آید.

از دیدار ارفورت چه نتایجی میتوان گرفت؟ نخستین نتیجه اینست که بعد از بیست سال در این دیدار، شکست سیاست تلافی جویانه و تهاجمی جمهوری فدرال آلمان اعلام شد. بیست سال تمام محافل حاکمه جمهوری فدرال آلمان، برهبری حزب دموکرات مسیحی و سران این حزب یعنی دکتر آدنائر، ارهارت و کیزینگر، منکر وجود و قانونیت جمهوری دموکراتیك آلمان بودند. در این بیست سال، با تمام قوا کوشیدند که از راه خرابکاری، تخطئه، اعمال فشار اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی، جمهوری دموکراتیك آلمان، یعنی نخستین دولت کارگری- دهقانی آلمان را، از پای درآورند. آنها در اعمال این سیاست تنها نبودند. امپریالیست های امریکائی و انگلیسی، و شرکای آنها در ناتو، این سیاست را تقویت میکردند. ولی

دنباله در صفحه ۲

دنباله از صفحه ۱

حل مسئله کرد در عراق

نامه بر پا شد و شرکت واقعی طبقات مختلف مردم و احزاب و گروههای سیاسی در تظاهرات مزبور نشان دهنده آنست که حصول این توافق و اجراء واقعی مفاد آن مورد علاقهٔ تمام نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک عراق اعم از عرب و کرد است و دولت کنونی عراق با واقع بینی و دور اندیشی سیاسی یکی از اساسی ترین خواستهای دموکراتیک توده های مردم آن سامان جامهٔ عمل پوشانده است.

اگرچه امضاء موافقتنامه و حل مسئلهٔ کرد بظاهر یك مسئلهٔ صرفاً داخلی است ولی در اوضاع و احوال کنونی اهمیت آن از مرز های کشور همسایهٔ ما عراق تجاوز میکند. در واقع حصول توافق بین جنبش دموکراتیك کرد و دولت مرکزی عراق و اجراء اکید مواد آن « تنها یکی از نقاط ضعف جدی جمهوری عراق را بر طرف میسازد بلکه با تحکیم پایه های وحدت و همبستگی خلقهای این کشور موجب تقویت جبههٔ خلقهای عرب در مبارزهٔ مشترك علیه امپریالیسم و تجاوز ارتجاع صهیونی میگردد و لذا باید بمثابه کمك مؤثری به جنبش آزادی و استقلال کلیهٔ کشور های خاورمیانه و نزدیك تلقی کرد.

پایان یافتن جنگ داخلی در عراق و حصول توافق بین جنبش دموکراتیك خلق کرد و حکومت مرکزی عراق از هم اکنون قسمت مهمی از نقشه های توطئه گرانهٔ امپریالیسم و تحریکات غدارانهٔ عمال آنرا با شکست مواجه ساخته است. بیهوده نیست که اکثر مطبوعات ارتجاعی دنیای سرمایه داری این واقعه را با سردی و تلخی تلقی نموده و میکوشند با ایجاد محیط شك و تردید و عدم اعتماد از اهمیت واقعه بکاهند.

بدیهی است دولت ایران که بنا بماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیك خود و وابستگی سیاست امپریالیستی یکی از آتش بیاران جنگ داخلی عراق بشمار میآید از حصول این توافق سخت نگران است و بهمین سبب میکوشد تا آنجا که ممکن است با سست جلوه دادن پایه های موافقت نامه خود را از تك و تاو بیندازد و شکست اقدامات تحریك آمیز خویش را با این روش بپوشاند.

مطبوعات وابسته و ارتجاعی ایران و از آنجمله روزنامهٔ درباری اطلاعات میکوشند امضاء موافقتنامه را تبرئکی از طرف دولت عراق علیه کردها جلوه دهند و اینچنین وانمود کنند که گویا سند مورد آرامی دارای هیچگونه اعتباری نیست. روزنامه اطلاعات در سر مقاله ۲۱ اسفند ماه خود پس از آنکه دولت عراق را متهم « به نیرنگ و غدر » میکند و ویرا بی اعتنا نسبت به کلیهٔ « اصول قانونی و حقوقی و انسانی » میشمارد مینویسد « قول و قرار چنین حکومتی طبعاً معتبر و موثق نیست » و سپس بقول روزنامهٔ امپریالیستی فاینشال تایمز لندن تکیه میکند و نوشتهٔ آن روزنامهٔ ارتجاعی را برای « اثبات صحت کفتار خود دائر بعدم اعتماد بدولت یعنی عراق شاهد میاورد!

بیمزه تر از همه تبرئکی است که در پایان این مقاله به « اقوام آریائی نژاد » کرد گفته میشود و چنین جلوه داده شده است که دولت ایران را هم در این موفقیت سهمی است در واقع اگر دولت ایران از چنین موفقیتی خرسند است و حتی خودرا در این امر سهیم میداند چگونه است که این قبیل موفقیت ها را فقط برای کردهای عراقی صحیح میشمارد و چنین وانمود میکند که گویا در کشور ما ایران « کردهای آریا نژاد » وجود دارند و نه مسئلهٔ ملی کرد؟ همین دیروز بود که دژخیمان شاه چندین ده نفر از فرزندان ملت کرد را بدار آویخته و یا تیرباران کردند و صدها نفر از مبارزین دموکرات کرد را بزندانها افکندند و آن مردم دلاور را « راهزن و اشرار » خواندند.

بعقیدهٔ دولت ایران حقوق ملی کردها مقدس است ولی فقط در عراق! دفاع از این حقوق در کشور همسایه دلاوری و قهرمانی است ولی در ایران « شرارت است و راهزنی » ! ستم ملی در همسایگی ایران ظلم است و غدر و نیرنگ و در خود ایران عین عدل و دادگری!

در واقع دولت شاه احساس میکند که با امضاء موافقتنامه بسیاست تحریك آمیز و توطئه گرانه او و آتش افروزان امپریالیستی لطمه ای جدی وارد گردیده است و بهمین سبب آرزو دارد تا بلکه از نو زمینهٔ اختلاف تازه ای فراهم گردد و باز میدان فعالیت تخریبی باز شود. بیهوده نیست که اطلاعات در سر مقالهٔ خود مینویسد، « بی گمان کردها هشیار تر از آنند که در مذاکرات و توافق های اخیر بازیچه عوامل حکومت یعنی واقع شده و بیك سند غیر قابل اعتماد دل خوش کرده باشند ».

آری جنبش دموکراتیك هشیار تر از آنست که دوست از دشمن نشناسد و تحت تأثیر دشمنان کردمتافع و مصالح ملی را فدای اغراض امپریالیستی و ارتجاعی کند. بهترین شاهد این مدعی مطالبی است که رهبر جنبش دموکراتیك کرد ملا مصطفی بارزانی بلا فاصله پس از حصول توافق ۲۰ اسفند در مصاحبه با مخبر آژانس خبرگزاری عراق بیان داشته است. وی در بارهٔ توطئه کودتائی ماه ژانویه گفته در عراق که سازمان امنیت و دولت شاه را نیز در آن دستی بود صریحاً میگوید، « هدف این توطئهٔ ارتجاعی لطمه وارد آوردن بمصالح خلق عراق و ایجاد موانع در برابر حل مسالمت آمیز مسئلهٔ کردبود ».

حزب تودهٔ ایران نه تنها از آنجهت که بنا بر برنامهٔ خود حل صحیح مسئلهٔ ملی را در داخل کشور کشتیرالسلهٔ یکی از مهمترین اقدامات برای تحکیم وحدت و همبستگی خلقها و تحکیم وحدت عمیق در درون کشور های چند ملتی نظیر ایران میشمرد بلکه بدان سبب نیز که این موافقت را بحق بمثابه گام مهمی در راه صلح و پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی خلقهای خاور میانه و نزدیك و از جمله میهن ما ایران تلقی میکند حصول این موافقت را صمیمانه بخلقهای عرب و کرد برادر خود در عراق تبریك میگوید. ا. کیوان

دنباله از صفحه ۱

دیدار ارفورت

علی رغم این دسائس، جمهوری دموکراتیك آلمان، در پرتو سیاست واقع بینانه، روشن و صلحجویانه خویش، که تعاون و همکاری سیستم جهانی سوسیالیستی را بهمراه داشت پایداری کرد و مشکلات عظیم سیاسی و اقتصادی خویش را یکی پس از دیگری، از پیش پا برداشت. آنها که در جمهوری فدرال آلمان زمام امور را بدست داشتند، و بقایای آنها هنوز در اینجا حکومت میکنند، جمهوری دموکراتیك آلمان را یك مخلوق تبعه جان میشمردند و می پنداشتند که چرخ تاریخ بعقب برمیگردد و بجای نظام سوسیالیستی، نظام بی نظم سرمایه داری را میتوان دوباره در این بخش از سرزمین آلمان بر پای کرد. آنها خود را سخنگوی تمام ملت آلمان میشمردند یا تمام قوا می کوشیدند و باز هم میکوشند که از استقرار مناسبات دیپلماتیك میان جمهوری دموکراتیك آلمان و سایر کشورهای جهان جلو گیری کنند. طبق « دکترین هالشتاین » روابط سیاسی خود را با هر دولتی که مناسبات سیاسی با جمهوری دموکراتیك آلمان برقرار میکرد قطع میکردند. در این بیست سال همین معادل ارتجاعی، تمام کوششهای جمهوری دموکراتیك آلمان را، برای استقرار مناسبات عادی با جمهوری فدرال آلمان عقیم گذاشتند. نامه های رسمی جمهوری دموکراتیك آلمان، بیقامات جمهوری فدرال بازنشده باز میگشت. آنها حتی حاضر نبودند، در میدانهای ورزشی جهان، موجودیت گروه های ورزشی جمهوری دموکراتیك آلمان را برسمیت بشناسند.

علی رغم تمام این کوششهای مذبوحانه، جمهوری دموکراتیك آلمان، برهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان، به حیات و تکامل خویش ادامه داد. توطئه های خصم را یکی پس از دیگری عقیم گذاشت. روز ۱۳ اوت ۱۹۶۱، با تحکیم مرزهای جمهوری، ضربتی مولتاك بر رؤیاهای کاذب تلافی جویان آلمان غربی وارد شد. امروز پس از بیست سال، زحمتکشان جمهوری دموکراتیك آلمان، حق دارند که با غرور و افتخار نتایج بیست سال مبارزه و کوشش خلاق خویش را، در راه استقرار یك نظام نوین سوسیالیستی، در مهد ارتجاع و فاشیسم مورد بر رسی قرار دهند. امروز جمهوری دموکراتیك آلمان در عداد یکی از ده کشور بزرگ صنعتی جهان قرار دارد. دست آوردهای آن در زمینه های اقتصاد، فرهنگ، آموزش و پرورش و غیره موجب اعجاب جهانیان است.

در انتخابات پائیز گذشته در آلمان غربی، حزب دموکراتیك مسیحی شکست خورد و حکومت ائتلافی حزب سوسیال دموکرات و دمکراتهای آزادیخواه سر کار آمد. حکومت جدید آلمان بخوبی میداند که بهیچوجه ادامه سیاست گذشته ممکن نیست. ویلی برانت، در برنامه دولت خود، رسماً به وجود دو دولت در سرزمین آلمان اقرار کرده است. ولی جمهوری دموکراتیك آلمان، که طوفان بیست سال تحریك، توطئه و خرابکاری تلافی جویان آلمان غربی را از سر گذرانده است، به وعد وعید های بی پایه قانع نیست. همانطوریکه رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك آلمان در دیدار ارفورت اعلام کرد و سایر سران این کشور بارها اعلام کرده اند، حل مسائل متنازع بین دو دولت، فقط در صورتی امکان پذیر است که جمهوری فدرال، جمهوری دموکراتیك آلمان را طبق موازین متداول حقوق بین المللی برسمیت بشناسد. دکترین هالشتاین را رسماً لغو کند، و از دعاوی بی اساس خود، قطعاً صرفنظر نماید. برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیك آلمان، طبق موازین حقوق بین المللی، در حقیقت مدخل و مقدمه، هر نوع مذاکره برای حل سایر مسائل متنازع است، زیرا تا وقتی که مثلاً سائی رسمی انجام نشده باشد، محافل حاکم آلمان غربی خودرا مجاز خواهند دانست که هر وقت لازم بدانند، قول و قرارهای خود را لغو کنند و سیاست قدیم باز گردند. علاوه بر این رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیك آلمان در دیدار ارفورت، از جمهوری فدرال تقاضای صد میلیارد مارك خسارت کرده است. این خسارت ناشی از سیاست تخریبی اقتصادی و عدم احترام بحقوق جمهوری دموکراتیك آلمان است.

ویلی برانت، صدر اعظم سوسیال دموکرات خود را سخنگوی یك سیاست جدید معرفی میکند. ولی حتی یك لحظه نباید از نظر دور داشت که ماهیت سیاست داخلی و خارجی جمهوری فدرال، کشوری که در آن سرمایهٔ انحصاری دولتی حکومت میکند تغییر نکرده است. در این کشور، هنوز بسیاری از مهم ترین مقامات دولتی در انحصار ارتجاعی ترین محافل حاکمه آنجاست. در مجلس آلمان غربی فراکسیون حزب دموکرات مسیحی، حزب سوسیال مسیحی، به رهبری کیزینگر و اشتراوس، رسماً و علناً از ادامه سیاست تخریب و تخطئه حمایت میکنند. در چنین شرایطی، جمهوری دموکراتیك آلمان، وظیفه دارد که هوشیار باشد و از مواضع صحیح و عادلانه سیاسی خویش حتی یك قدم عقب نشیند. تکامل تاریخ، در جهت تضعیف نیروهای ارتجاع و تقویت نیروهای صلح و ترقی است. سرزمین آلمان، از این حکم عمومی تاریخ مستثنی نیست. دولت ویلی برانت، در سر دو راهی تاریخ است. برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیك آلمان یا ادامه سیاست قدیم. کوچکترین تردیدی نیست که تحول کنونی اوضاع جهان و تغییر تناسب قوا در صحنه بین المللی، برسمیت شناختن جمهوری دموکراتیك آلمان وطبق موازین حقوق بین المللی بدنبال دارد.

رامین

پرتو دی

بمناسبت صدمین سال تولد لنین کتاب زندگی و آموزش لنین، انتشار خواهد یافت.

دنباله از صفحه ۱

نامه کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

بمناسبت سده میلاد و. ای. لنین

انقلاب بزرگ اکتبر که به رهبری لنین پیروز گردید، نه تنها زحمتکشان روسیه را از یوغ تزاری رهائی بخشید و برای نخستین بار جامعه ای مبرا از بهره کشی انسان از انسان پدید آورد، بلکه اهمیت بین المللی شگرفی داشت، زیرا عصر نوینی در تاریخ بشریت گشود، یعنی عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم. این انقلاب راه بیکار خلقهای ستمدیده و اسیر را برای رهائی ملی خویش باز کرد و ضربتی از پس ضربت دیگر بر امپریالیسم و استعمار نو و کهن وارد ساخت.

لنین آموزش مارکس و انگلس را از اپورتونیسم راست و «چپ» با کیزه ساخت، مارکسیسم را با آموزش در بارهٔ امپریالیسم غنی کرد و امکان ساختن سوسیالیسم در یك کشور را علما و عملا به اثبات رساند و ارتپه‌ای گرانقدر به تمام انترناسیونالیسم برای ما باقی گذارد.

لنین دوست سترگ مردم ایران است. میهن ما ایران که بین دو دندهٔ امپریالیستی انگلستان و تزاریسم تقسیم شده بود، در نتیجه پیروزی انقلاب اکتبر به رهبری لنین استقلال سیاسی خود را بدست آورد. جمهوری جوان شوروی، ایران را از همهٔ قرار داد های تابرابر و ناعادلانه اسارت آوری که بر وی تحمیل شده بود و نیز از رژیم حقارت آور کاپیتولاسیون رها ساخت و بدینسان همه امکانات رهائی نهائی وی را از یوغ اقتصادی و سیاسی امپریالیسم فراهم آورد ولی متأسفانه محافل حاکمه ارتجاعی استعمار زده کشورما نخواستند از این امکانات استفاده کنند.

ما از اینکه کشور ما نخستین کشوری بود که اتحاد شوروی را برسمیت شناخت (امری که در اثر اوج مبارزه توده های وسیع مردم و تحت فشار آن انجام گرفت) بحق بخود می بالیم. بهمین جهت مردم کشور ما سدهٔ نام آور میلاد لنین، انسانی را که به قلب و روح آنها نزدیك است با شوق و احترام برپا میدارند و درست بهمین علت است که حتی هیئت حاکمه در برگزاری این جشن شرکت مجبور.

لنین بمثابه یك انترناسیونالیست کبیر، حزب خود و بوسیله آن خلق شوروی را با روح انترناسیونالیسم پرولتری پرورده است و این امر بویژه اکنون که ما می بینیم ریشه های فاسیونالیسم و شوونیسم حتی در بخشی از جنبش کارگری (مثلا مائتوئیسم) چه اندازه عمیق است، سخت نظر گیر میشود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی که لنین آنرا بنیادگذارد، درفش لنینیسم را سرفراز ساخته و وفاداری نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری، مظهر درخشان این امر است و بهمین جهت در جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و در نزد همهٔ رزمندگان راه استقلال خلقها که پشتیبانی و یاوری اتحاد شوروی را در هر گام احساس میکنند حیثیتی عظیم دارد.

پس از شهریور ۱۳۲۰ هر دولتی که در ایران روی کار آمده موضوع مبارزه با گرانی تثبیت قیمت ها، جلوگیری از احتکار و بهبود زندگی مردم را در برنامه خود گنجانده است.

اگر برنامه های آنها را ورق بزنید خواهید دید همه آنها بدون استثنا ادعا کرده اند که «تحت توجهات شاهنشاه در پائین آوردن هزینه زندگی، مبارزه با گرانی اجناس، تهیه و تأمین حوائج ضروری مردم» کوشش خواهند کرد. ولی حقیقت چه نشان میدهد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ هزینه زندگی بدون توقف قوس صعودی پیموده است. آمار بانك مرکزی ایران نشان میدهد هزینه زندگی در این ایام بطور متوسط سالیانه ۸ در صد بالا رفته است.

تا سال ۱۳۳۸ سازمان های دولتی ایران شاخص هزینه زندگی را بر پایه سال ۱۳۱۵ حساب میکردند. در سال ۱۳۴۰ روشن شد که هزینه زندگی نسبت بسال ۱۳۱۵ در حدود ۱۰ برابر افزایش یافته است. یعنی اگر قیمت کالائی قبل از سال ۱۳۱۵ یك تومان بود در سال ۱۳۴۰ قیمت آن به ۱۷ تومان رسید. طبیعی است این گرانی هیچ گونه تناسبی با ازدیاد دستمزد کارگران و کارمندان نداشت. برای اینکه این رقم چشمگیر نباشد سال ۱۳۳۸ را مأخذ جدید تعیین شاخص قرار دادند. از آن زمان نیز بر اساس آمار بانك مرکزی ایران هزینه زندگی پیوسته ترقی کرده است. در حالیکه درآمدها هرگز تناسبی با افزایش قیمت ها نداشته است.

طبیعی است تنها با در نظر گرفتن ارقام مربوط به ترقی هزینه زندگی نمیتوان درجه وخامت شرایط زندگی مردم را معین نمود، زیرا عوامل دیگری از قبیل تغییر میزان درآمد طبقات قشر های مختلف مردم تغییرات کیفی و کمی در نوع احتیاجات آنها، گسترش بیکاری، وقوع حوادث طبیعی و غیره نیز در بالا رفتن و پائین آمدن قوه خرید افراد مؤثر است. فقط با توجه به کلیه این عوامل میتوان نسبت تغییراتی را که در این مدت در وضع زندگی مردم بوجود آمده است تعیین کرد.

نگاهی به دستمزد های رایج در کشور دشواری زندگی توده واقعی مردم را نشان میدهد. بسختی میتوان باور کرد که هنوز در ایران دستمزدهای ۳۰ تا ۵۰ ریال و حتی کمتر از آن وجود دارد و تعداد کسانی که با این دستمزد ناچیز، تنها خودبلکه خانواده‌ای را اداره میکنند اندك نیست.

چندی پیش مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در بارهٔ درآمد ۱۲۰۰۰ خانواده در ۲۱ شهر بزرگ ایران آماری تهیه کرد. از این عده تنها گروهی در حدود ۱۴۱ خانواده درآمدی بیش از مخارج خود داشته‌اند. در آمد ۲۸۰۰ خانواده عادی بود و بقیه ۱۰،۰۰۹ خانواده زحمت نان روزانه خود را بدست میآوردند. اگر چه آمار دقیقی دربارهٔ وضع معیشت دهقانان که هنوز نزدیك به دو سوم مردم ایران را تشکیل میدهند در دست نیست، ولی طبق ارقامی که دربارهٔ درآمد متوسط مردم ایران وجود دارد و اطلاعاتی که توسط سازمانهای دولتی و جراید انتشار می یابد میتوان گفت درآمد اکثر دهقانان ایران هنوز از ۱۰،۰۰۰ ریال تا ۱۲،۰۰۰ ریال در سال تجاوز نمیکند.

مجله بانك مرکزی ایران هیچگاه شاخص هزینه زندگی را با شاخص ترقی دستمزد ها، در آمد عمومی و افزایش تولید داخلی مقایسه نمیکند. اگر روزی شاخص افزایش دستمزد کارگران و کارمندان در آمد ملی و افزایش تولید داخلی نیز جدول بندی شود و در معرض افکار عمومی قرار گیرد آنوقت منظره دلخراش زندگی مردم کشورما روشن میشود.

سازمانهای دولتی ایران و ارگانهای تبلیغاتی آنها با اعتراف به افزایش روز افزون هزینه زندگی سعی دارند این افزایش را با افزایش در آمد عمومی و فروش روز افزون کالاهای مصرفی در شهرها و روستاهای ایران مربوط سازند. آنها میخواهند چنین جلوه دهند که گویا افزایش مصرف داخلی دلیل بر افزایش قوه خرید مردم است.

میتوان پذیرفت که در چند سال اخیر به ویژه بر میزان فروش کالاهای مصرفی و تولیدی افزوده شده است. ولی این بدان معنی نیست که قوه خرید مردم هم آهنگ با آن افزایش یافته است. این امر را باید بحساب یك سلسله نتیجات اجتماعی و به ویژه توده وسیع دهقانان گذاشت که در سالهای اخیر از تولید کننده به مصرف کننده تبدیل شده‌اند، همچنین تولید کنندگان خرده پائی که جزء گروه مزد بگیران در آمده‌اند.

واقعیتی که هرگز نمیتوان آنرا انکار کرد وجود دو قطب مشخص فقر و ثروت در کشور ماست، وجود قشر کوچکی که همه چیز دارد و توده عظیمی که هیچ چیز ندارد.

روز ششم بهمن امیر عباس هویدا در آغاز ششمین سال نخست وزیری خود اعتراف کرد «فریاد مردم از گرانی هزینه زندگی باسمان رفته است، زندگی در شهر ها و روستاهای کشور بسرای اکثریت مردم غیر قابل تحمل شده است. مردم از گرانی می نالند» نخست وزیر برای چندمین بار قول داد: «اقدامات لازم را بعمل خواهیم آورد. خیال همه از این جهت راحت باشد»

نخست وزیر شاه بدون آنکه قول های گذشته خود را در این باره بیاد بیاورد، بدون آنکه بعلل واقعی گرانی، توسان قیمت ها و بی ثمر بودن فعالیت های گذشته خود ودولتهای سابق اشاره کند باز قول داد که «این بار مبارزه با گرانی را جدی تر از همیشه دنبال خواهیم کرد.»

این مبارزه «افسانه‌ای» است که مردم بآن باور ندارند.

چرا اقدامات دولتها در زمینه مبارزه با گرانی و یا حداقل تثبیت قیمت ها به نتیجه نمیرسد؟ جواب این سئوال ساده است. زیرا این اقدامات هیچگاه ریشه اساسی نداشته است. اعمال موسمی دولتها هیچگاه از ایجاد مشینه برای فروشندگان، بازرسی سطحی مبادلها، گرفتن چند تومان جریمه و یا احیانا جلوگیری از کسب چند بقال و قصاب و بار فروش تجاوز نکرده است. دولت ما هیچ از سیاست «ارعاب» برای تقلیل قیمت ها استفاده کرده‌اند.

نوسان دائمی قیمت ها افزایش روز افزون هزینه زندگی در جوامع سرمایه داری یك پدیده ناگزیر اقتصادی است. باین پدیده اقتصادی باید با نظر علمی نگریست. بکار برای همیشه باید دانست که با بستن چندکان دستگیری چند گران فروش و جریمه کردن آنها کاری از پیش نمیتوان برد.

علل اساسی افزایش دائمی هزینه زندگی را باید در ماهیت نظام اجتماعی و اقتصادی ایران جستجو کرد. در ماهیت رژیمی که میهن ما را به ارابه امپریالیسم جهانی بسته است بازار های ایران را بروی سرمایه های مالی و کالا های بنجل خارجی باز گذاشته است رژیمی که از منافع انحصارهای بزرگ دفاع میکند و به گسترش نفوذ آنها در ایران کمك مینماید.

علل اساسی بالا رفتن قیمت ها را باید در مخارج کمرشکن نظامی هرج و مرج اقتصادی کشور، فقدان سیاست استوار مالی جستجو کرد.

رژیمی که هر سال نیمی از درآمد کشور را بجای آنکه صرف امور تولیدی نماید صرف هزینه های نظامی میکند، رژیمی که از سرمایه داران بزرگ و منافع غارتگرانه آنها حمایت مینماید و سیاست اقتصادی و مالی ایران را بر پایه حفظ منافع آنها و انحصار های خارجی تنظیم مینماید نمیتواند در کنترل قیمت ها، در جلوگیری از احتکار، قاچاق، گران فروشی و تقلب اقدام مؤثری بعمل آورد.

پیروی از این سیاست سبب گردیده است که درآمد ملی آهنگ رشد لازم را نداشته باشد و از طرف دیگر در آمد تولید کنندگان نسبت به مجموع در آمد عمومی تقلیل یابد. در حالیکه فقر مردم گسترش می یابد ثروت سرمایه داران وابسته بامپریالیسم در دراز مدت روز بروز بیشتر میشود.

تثبیت و جلوگیری از افزایش قیمت ها، بهبود زندگی مردم و تأمین رفاه اجتماعی خارج از عهده دولتهائی است که پیوندی با مردم ندارند.

ا. فروزان

رفقا! اجازه بدهید این سالگرد را که در نزد همهٔ ما عزیز است بشما شادباش گوئیم و کامیابیهای بالا هم بیشتری را در اجرای وصایای معمار سترگ کشور شوروی برایتان آرزو کنیم.

جاوید باد لنین بزرگ بنیاد گزار نخستین کشور سوسیالیستی جهان!

ظفرمند باد آموزش زوال ناپذیر لنینیسم!

پیروز باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده باد دوستی بین خلقهای ایران و شوروی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مدیحه سرائی شاه

در بارهٔ خود

در اسفند ماه گذشته، شاه ایام گشت و گذار و تفریح زمستانی خود را در اطریش گذراند. در این ایام خبرنگار یکی از رادیوهای امریکائی موسوم به «سخن‌را کنی ملی» یا «ان بی سی»، بنام «ادوین نیومن» با او مصاحبه ای کرد که ترجمه فارسی آن در روزنامه های ایران، البته با برخی تلخیص ها، چاپ شده است.

این مصاحبه ایست طولانی و شاه طی آن حرفهای معمولی خودرا در توجیه سیاست رژیم زده است. حرفهای شاه ازجهت مضمون خود تازگی ندارد و ما نظایر این دعاوی پوچ و لاف زنانه و متفرعانه را بارها از او شنیده ایم.

ستایش از سلطنت مستبده

شاه در این مصاحبه یکبار دیگر سیمای خویش را نشان داده است و جالب است که شاه در حالیکه به «کهنه پرستان و نیروهای ارتجاعی» تاخته، با بیانات خویش بار دیگر ثابت کرده است که کسی از او کهنه‌پرست تر و ارتجاعی تر نیست.

وقتی مخبر از میپرسد که آیا در آینده با پیشرفتهای «برنامه‌های انقلابی» از قدرت

ایران در دام سرمایه های انحصاری خارجی

یکی از مشخصات عمده وضع اقتصادی ایران در سالهای اخیر روسخ بیسابقه سرمایه های انحصاری خارجی به ایران است. سیاست اقتصادی رژیم به جلب هر چه بیشتر سرمایه های انحصاری خارجی و مسلط کردن آن بر تمام شئون اقتصادی کشور مبتنی است.

وامهای رسمی ایران در سه سال ۴۷ - ۱۳۴۵ به ۸۷۸ میلیون دلار بالغ شده است. دولت ایران از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۵ یعنی در ظرف ۱۲ سال پس از کودتا در حدود ۷۰۹ میلیون دلار از دول امپریالیستی وام دریافت داشته بود. مقایسه این دو رقم نشان میدهد که دولت ایران فقط در ظرف سه سال اخیر ۱۶۹ میلیون دلار بیش از تمام ۱۲ سال قبل از آن از کشور های امپریالیستی وام گرفته است.

نفوذ سرمایه های خصوصی خارجی نیز در این سه سال بیسابقه بود. خالص سرمایه گذاریها و وامهای خصوصی انحصار های خارجی طی ۶ سال ۴۵ - ۱۳۳۹ برابر ۱۱ میلیون دلار بود. ولی طی سه سال ۴۷ - ۱۳۴۵ میزان این نوع سرمایه گذاریها به ۴۳٫۴ میلیون دلار یعنی تقریبا به ۴ برابر مجموعه سرمایه ها و وامهای خصوصی ۶ سال قبل از ۱۳۴۵ افزایش یافته است.

اقدامات پر دامنه ایکه از طرف دولت ایران بعمل میآید درجهت حفظ و حتی تشدید این گرایش ضد ملی در سیاست اقتصادی رژیم کنونی است.

در برنامه سوم از ۳۲۸ میلیارد ریال هزینه های سازمان برنامه، ۳۱ میلیارد ریال یعنی ۱۳٫۵ درصد از منابع خارجی تأمین شده بود، ولی از ۶۱۰ میلیارد ریال هزینه های سازمان برنامه طی دوره پنجساله برنامه چهارم ۱۵۰ میلیارد ریال یعنی ۲۴٫۵ درصد از منابع خارجی تأمین خواهد شد. در برنامه چهارم مجموعا ۱۲۸ طرح با هزینه ۱۳۷۲ میلیون دلار بکمک وامهای خارجی بمرحلهٔ اجرا گذارده خواهد شد. سهم وام های خارجی در تأمین این مبلغ به ۱۰۴۱ میلیون دلار بالغ میگردد. دولت ایران در نظر دارد بخش عمده این وامها را از طریق بانک جهانی تحصیل نماید. مسافرت نمایندگان ایران به امریکا و دعوت نمایندگان بانک جهانی و بانک صادرات و واردات امریکا به ایران تماماً بمنظور جلب موافقت این بانکها برای واگذاری وام و اعتبار بایران انجام میگیرد. وامهای این قبیل بانکها بیشتر بمنظور ایجاد انفرا استرکتور واگذار میشود. چنانکه ۴۰۰ میلیون دلاری که ملک ناملرا در سفر آیانهاء خود بایران وعده داده است، بطور عمده در این راه مصرف خواهد شد.

دولت ایران چه در دوران اجرای برنامه سوم و چه در جریان عملی کردن برنامه چهارم از لحاظ بدست آوردن اعتبارات خارجی در مضیقه بوده است. جلب سرمایه های انحصاری خارجی در شرایط کنونی بسهولت انجام نمیگیرد. دولت ایران در این راه مساعی فراوان بکار میبرد.

از خصوصیات صدور سرمایه استقراضی از طرف دول امپریالیستی در دوران اخیر اینست که صدور این نوع سرمایه فقط بمنظور دریافت سود انجام نمیگیرد. عوامل سیاسی بیش از عوامل اقتصادی مورد توجه دول صاحب سرمایه است. کسری در موازنه پرداختهای اکثر کشور های امپریالیستی به نوبه خود باعث میشود که بطور عمده فقط در مواردی که منافع استراتژیک کشورهای امپریالیستی ایجاب میکند، به صدور سرمایه استقراضی به کشور های «جهان سوم» اقدام شود.

صاحبان سرمایه های خصوصی نیز که بطور عمده به سرمایه گذاری مستقیم متمایل هستند، بعلت گسترش روز افزون جنبش آزادیبخش ملی که بزعم آنها با «عدم ثبات» اجتماعی و سیاسی و اقتصادی «جهان سوم» همراه است، جز در رشته های بسیار پرسود، آنهم در صورت تضمین کامل، برای سرمایه گذاری رغبت چندان نشان نمیدهند. انتقال سرمایه های خصوصی بیشتر میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری انجام میگیرد.

در نتیجه این عوامل تقاضا برای سرمایه های انحصاری خارجی بیش از عرضه آنست. و همین امر باعث دشوارتر شدن شرایط اخذ وامهای دولتی و جلب سرمایه های خصوصی شده است.

نمایندگان رژیم از یکسو از سختگیری شرایط وامها و بی اثر بودن آنها برای رشد اقتصادی کشور های گرسنه دم میزنند و از سوی دیگر خود شاه و نخست وزیر ومقامات اقتصادی کشور برای دریافت وامهای دولتی و جلب سرمایه های خصوصی به دوره گردی در کشور های اروپا و امریکا می پردازند.

در چنین شرایطی است که دولت ایران با تبلیغ پر سر و صدا در باره ثبات سیاسی و پیشرفت اقتصادی کشور به جلب سرمایه های انحصاری خارجی پرداخته است.

دولت ایران برای دریافت وامهای رسمی برنامه های کشور را علا به تصویب مقامات اقتصادی امپریالیسم امریکا میرساند و سرنوشت اقتصاد کشور را بدست بانکداران خارجی میسپارد. دولت ایران برای جلب سرمایه های خصوصی خارجی نیز شرایط بی نظیری فراهم آورده است. آقای انصاری، وزیر اقتصاد میگوید: «ایران در مورد استفاده از سرمایه های خارجی یکی از آزادمنشانه ترین روش های جهانی را اتخاذ کرده و سرمایه گذاری خارجی در ایران از کلیه تسهیلات برخوردار است». شاه نیز ضمن راهنمائی انحصارات خارجی میگوید: «بهترین راه برای تأمین و تضمین یك بازار حضور در آن بازار واجرای پروژه های مشترك و سرمایه گذاری در آن است» و سپس برای هشدار دادن باین انحصارات اضافه میکند «آنها که زود تر بسراغ ما نیایند، بعداً تأسف خواهند خورد».

دولت ایران معمولا کمبود منابع داخلی و همچنین کمبود ارز خارجی لازم برای رشد اقتصادی کشور را از علل توسل به منابع خارجی قلمداد میکند. دولت ایران برای تأمین ۹٫۳ در صد رشد سالانه در آمد ملی در برنامه چهارم که درقیاس با امکانات واقعی کشور آهنگ قابل توجهی نیست، خود را به دریافت وام خارجی یا شرایط سنگین و جلب سرمایه های خصوصی ناگزیر میبیند.

فارت ۱۳ در صد در آمد ملی کشور بوسیله انحصارات نفتی، هزینه های کمرشکن نظامی و توزیع غیر عادلانه در آمد ملی که باعث مصرف غیر مولد بخش قابل ملاحظه ای از در آمد ملی کشور میگردد - علل عمدهٔ کمبود منابع داخلی برای رشد سریع اقتصاد کشور میباشند. و تمام اینها معلول ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیك رژیم کنونی هستند.

بدیهی است برای تسریع رشد اقتصادی کشور میتوان به منابع خارجی بمثابه عامل کمکی توسل جست بشرط آنکه با رعایت استقلال سیاسی واقتصادی و سود رشد مستقل، سریع و هماهنگ اقتصاد کشور باشد. کمك کشورهای سوسیالیستی بویژه یك چنین کمکی است. کشور ایران حتی در شرایط کنونی برای استفاده از کمکهای بی شائبه کشورهای سوسیالیستی امکانات وسیعی در اختیار دارد کشور های سوسیالیستی در تمام رشته های مورد نیاز ایران در سطح جهانی پیشرفت کرده اند. میزان بهره اعتبارات این کشورها ۳-۴ بار کمتر از بهره وامهای کشور های امپریالیستی است، باز پرداخت اصل و بهره وامهای این کشور ها مستلزم صرف ارزهای صعب الحصول نبوده، بلکه از طریق فروش مواد خام و کالا های ساخت ایران قابل پرداخت است. کمکهای کشور های سوسیالیستی، برخلاف کشورهای امپریالیستی، فقط در زمینه ایجاد انفرا استرکتور نبوده، برای رشد همه جانبه تمام رشته های تولیدی پایه های مادی واقعی بوجود میآورد. تمام این عوامل کافی است که یك رژیم ملی از لحاظ منزایای صرفاً اقتصادی هم شده از امکانات کشورهای سوسیالیستی برای پیشرفت اقتصادی ایران استفاده نماید. ولی دولت ایران در مناسبات اقتصادی خود، منافع اقتصادی و حوائج اجتماعی مردم ایران را در نظر ندارد، بلکه مطالعه اقتصادی قشر ناچیزی از ثروتمندان و مصالح سیاسی رژیم کنونی در مر کز توجه آن قرار دارد. رژیم کنونی با سوق دادن سرمایه های انحصاری به کشور میخواهد ازیکسو کشورهای امپریالیستی را بیش از پیش در پنجهای از خود فریفته سازد و از سوی دیگر با درآمیختن سرمایه های خصوصی خارجی با سرمایه های بزرگ داخلی یعنی با کمپرادورژه کردن قشرهای فوقانی سرمایه داران ایران به قدرت یکی از پایگاههای اجتماعی خود در داخل کشور بیفزاید. و این امر بخصوص پس از ضربه خوردن جدی به نظام ارباب - رعیتی برای رژیم کنونی حائز اهمیت خاص است. علاوه بر تمام اینها وابستگی های اقتصادی و سیاسی و نظامی رژیم به امپریالیسم، جارچوبی برای مناسبات آن با کشور های سوسیالیستی بوجود میآورد که فرا رفتن از آن برای رژیم میسر نیست.

اگرچه وامهائی که از کشورهای امپریالیستی دریافت میشود و یا سرمایه گذاریهای خصوصی خارجی در ایجاد پایه های مادی و فنی در داخل کشور تا حدودی مؤثر است، ولی در عین حال موجبات وابستگی بیشتر اقتصاد کشور را به انحصارات خارجی فراهم می آورد و مبالغ هنگفتی از در آمد کشور را بصورت بهره وامها و سود سرمایه ها و منافع حاصله از کالاهای تحمیلی که از شرایط اصلی وا گذاری وام از طرف کشورهای امپریالیستی است، از کشور خارج میسازد.

اقدامات رژیم در مسلط ساختن هرچه بیشتر سرمایه های انحصاری خارجی بر اقتصاد ایران ماهیت ضد ملی آنرا بار دیگر باوضوح تمام آشکار میسازد.

مسعود

دنباله از صفحه ۴

مدیحه سرائی شاه

ممکن است باین ادعا باور نکنند و بگویند چطور اشخاص ثانی باین سرعت در شهرهای مختلف در فاصله چند ساعت در نمایش ضد شاه شرکت جستند، لذا گفت: «میدانیم که حمل و نقل آنها بوسیلهٔ تعدادی اتومبیل و هواپیمای درست (!) صورت گرفته بود و بدیهی است که این امر با تشکیلات مرتبی انجام میگیرد.»

پس معلوم میشود آن چند صد چهره تلخی را که شاه در همه جا دیده است با هواپیمای درست باین شهر و آن شهر برده اند! آنهم در آلمان غربی، یکی ازتکه گلهای اعلیحضرت! آری با هواپیمای درست کسانی منتقل شده اند ولی آنها چوبداران ومأمورین ساواك بودند که ایرانی و آلمانی را یدرنج کوبیدند.

روحیهٔ شاهانه

بومن، شاید از سر زیرکی، درآخر مصاحبه با اشاره به تیراندازی شمس آبادی در کاخ مرمر سئوالی از شاه میکند که هم سئوال و هم پاسخ شاه جالب است. وی میپرسد: «هدف گلوله قرار گرفتن تا چه میزان در تضعیف روحیه و اعصاب اثر میگذارد؟» شاه در پاسخ میگوید: «... با وجود اینکه من مسلح نبودم خود را ناچیز ولی باید اذعان کنم که مدت آن (یعنی نیز اندازی) بسیار طولانی بنظر میرسید وبا آنکه شاید بیش از چند ثانیه بطول نیانجامید، باندازه چند دقیقه بنظر میآمد...» چنین است روحیه شاه در کاخ زره پوش و در حلقه محافظان در قبال خطر.

بی اختیار شخص یاد آخرین سخنان آن افسر شهید میافتد که گفت: «چشمهای مرا ببندید تا لرزش دستهای دشمن را نبینم.»

ا. س.

اعلامیه تشکیلات تهران

بمناسبت تظاهرات وسیع و پرشور روز های اول و دوم و سوم اسفند ماه ۱۳۴۸ در تهران، تشکیلات تهران حزب توده ایران اعلامیه زیر را خطاب به مردم تهران منتشر نمود .

هر روزی که از عمر ننگین حکومت های خائن بعد از کودتا و رژیم منفور شاه میگذرد رشته‌های تازه اسارت بر دست وپای ملت میپیچد . زندگی مردم دشوارتر ، فقر و فاقه چشمگیرتر و افلاس ورشکستگی اقتصادی عیان تر میگردد . هزینه مشقت بار زندگی با توجه بامار های رسمی که چه گمراهکننده و گاه و بیگاه در مجلات رسمی منعکس میگردد قوس صعودی پیموده و ملت زیر بار توان فرسای مالیات های گوناگون کمر خم مینماید . فشار ها و تضییقات نه تنها دامنگیر طبقات پائین اجتماع و توده های کارگر و پیشه ور و دهقان است بلکه کلیه اقشار ملی اعم از خرده بورژوازی و بورژوازی ملی را نیز فرا گرفته است . بیهوده نیست که در تظاهرات پکارچه روز اخیر که بر اساس تحریم اتوبوسها که نوعی اعتراض دست‌جمعی و شرافتمندانه مردم تهران است بازاریان شرافتمند یکپارچه در کنار کارگران و دانشجویان قرار گرفته و با آن ها همصدائی کردند .

در این دو روزه ما دیدیم که نیروهای امپریالیسم و سازمان امنیت ، شهر را بمیدان نبرد تبدیل کردند ، دانشگاهها را تعطیل نمودند و از ورود دانشجویان جلوگیر شدند، قسمتی از بازاررا بستند و تهران شهر عزیز ما را بصورت شهر اشغال شده بدست نیروهای بیگانه در آوردند !!! در مقابل بسیج نیروهای پلیس مردم نیز دست از مبارزه نکشیدند و وحدت و همدردی کلیه مبارزان در مقابل تصمیم غلط اقتصادی دولت کاملا بچشم میخورد . در این دو روزه ما درسهای فراوانی از قهرمانیها و فداکاریهای مردم گرفتیم ، خود سوزی دانشجویان ، نبردن بتن دانشجویان و دانش آموزان با پلیس و ایادی آنها ، تحریم واقع بینانه کارگران ، نقش هشیار کننده روشنفکران اداری نمودارهای عالی و انسانی از رشد ملت ما بود سر انجام تحریم به پیروزی ملت و شکست وعقب نشینی دولت منجر گردید .

همشهری ! ما در آزمایش تحریم دو روزه آموختیم که اگر وحدت و همدردی در صفوف مردم باشد حتی جنایتکار ترین حکومت ها از جمله حکومت شاه‌ما نیز نمیتواند در برابر ارادهٔ مردم ایستادگی کند . اینك ما از شما میخواهیم که دولت را وادار کنید که با لغو گرانی اتوبوسها کلیه کسانی را که بزندان کشیده‌است آزاد کند ، دانشگاه ها و مدارس را که در محاق تعطیل قرارداده است مفتوح نماید و برای سایر خواستهای میرمملی که اهم آنها آزادی زندانیان سیاسی آزادی مطبوعات و عقیده و بیان است متحداً مبارزه کنید که پیروزی نهائی در اتحاد و مبارزه است .

تشکیلات تهران ، حزب توده ایران
اسفند ۱۳۴۸

تظاهرات پرشور اسفند

«نزدیك ۶۸ روز بود که خطوط اتوبوسرانی تهران را گمرنبدی کرده بودند و بهای بلیط ها را دو برابر و در بعضی از خطوط تا سه برابر شده بود ، این وضع ناراحتی بس بزرگی برای قشر های مختلف مردم و بخصوص زحمتکشان و دانشجویان و محصلین بوجود آورد . مردم که از نابسامانی اتوبوسرانی تهران و گرانی آن بستوه آمده بودند تصمیم گرفتند که روز شنبه دوم اسفند سوار اتوبوسها نشوند . از مدتی پیش کار تدارکی شروع‌شده بود و در باجه‌های تلفنهای عمومی و باجه های شرکت واحد این شعار ها نوشته یا چسبانده شده بود : «مردم ، روز شنبه دوم اسفند سوار واحد نشوید» .

« شرکت واحد دزد است » . روز شنبه دانشگاههای تهران و مؤسسات عالی آموزشی تهران، ملی تکنیك ، صنعتی ، ملی دانشسرای عالی و مؤسسهٔ عالی بازرگانی و انستیتو ها و مدرسه عالی پارس و هنرسرای عالی و غیره شروع بتظاهرات کردند . روز یکشنبه سوم اسفند دامنه تظاهرات وسیعتر شد و مدارس بزرگ پایتخت را دربر گرفت. در این روز جلوی در بزرگ دانشگاه دانشجوئی بعنوان اعتراض بگرانی روزافزون و غفلتی که در محیط ایران بوجود آمده دست به خود سوزی زد و این خود سوزی در فضای تهران چون بمب منفجر شد و مردم بسوی دانشگاه شتافتند . همبستگی مردم چه در شعار هائی که داده میشد ، چه در کشف توطئه های پلیس و مبارزه با آن ، چه در همدردی با دستگیر شدگان بخوبی بچشم میخورد . در این روز دانشجویان توانستند در مدت کوتاهی ۶۰۰۰ ریال جمع آوری نمایند و یك بانك گوی دستی نیز از همین مبلغ تهیه نمودند .

پلیس از روز دوشنبه دانشگاهها و مؤسسات عالی واغلب مدارس تهران را بست یا در محاصره گیرفت و چون موفق نشد تظاهرات و مقاومت مردم را در هم شکند ، با تمام قوا به مردم بی سلاح حمله ور شد عده ای را مجروح کرد و تا عصر آنروز چندین هزار نفر را بزندانهای مختلف تهران و کلانتریها و سرباز خانه ها فرستاد . زندانها چنان پر شده بود که با بی سیم به مأمورین که هنوز در حال «شکار» مردم بودند اطلاع داده شد که دیگر دستگیر نکنید ، سلولها همه پر شده ، بزندانیان نه آب میدادند و نه غذا و میگفتند دولت هنوز چیره ای برای‌شما تعیین نکرده است .

ولی نه حمله وحشیانه پلیس و مأمورین سازمان امنیت ، نه اشغال شهر بوسیله نیرو های موتوریزه شهربانی و ژاندارمری که با تمام تجهیزات ، گاز اشك آور ، مسلسل و انواع سلاحها بمیدان آمده بودند و نه دستگیریهای دسته جمعی ، توانست جلوی تظاهرات مردم را بگیرد و وحدت آنها را

دنباله در صفحه ۷

برای مبارزه با قاچاق

سرکردگان متنفذ باند ها باید اعدام شوند

رژیم شاه با اعدامهای مداوم قاچاقچیان هروئین دعوی مبارزه با فساد دارد .

مبارزه جدی با ورود مواد مخدره ، این سوغات امپریالیسم ، جلوگیری از شیوع آن و تأمین وسایل لازم برای مداوای معتادان از وظایف هر دولتی است . ولی رژیمی که در سالهای پس از کودتا بر سر کار است ، نه تنها بنا بر ماهیت خود هیچ اقدام اساسی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدره نکرده بلکه خود عامل رواج و تشویق هروئین و قاچاق تریاك بوده است .

طبق نوشته روزنامه فرانسوی «لوموند» انحصار مواد مخدره در ایران در دست ۱۷ شبکه است که به «مافیا» یا باند های بزرگ گانگستری قاچاق تبدیل شده‌اند . آیا میتوان باور کرد که گردانندگی این باند های نیرومند که بدون هیچ تردید با باند های بین المللی قاچاق مواد مخدره مربوطند ، در دست فلان قهومچی تهرانی و یا فلان پیرزن کرمانی و یا حتی این یا آن ستوان و سروان ارتش است ؟ بدیهی است که بقول آقای دکتر متین دفتری سناتور انتصابی «مخالست در این مملکت قاچاقی روی دهد که انگشت متنفذین در آن باشد . » (اطلاعات ۱۸ دی ۱۳۴۲)

و به بیان صریح مخالست در این مملکت قاچاقی روی دهد که تحت سرکردگی ، رهنمود و نظارت متنفذین نباشد و اما چون متنفذین در پناه «زور و زر» از هر گونه کیفری معافند ، قانون « متنفذین » باشاره «متنفذین» گریبان مردم کوچه و بازار را میگیرد و ضمن آنکه دزد های کلان مصون و محترم اند . آفتابه دزد ها شدیداً مکافات میشوند .

ما با مجازات کلیه کسانی که بنحوی از انحاء به قاچاق و پخش و گسترش مواد مخدره ، بلای نسل جوان و کشنده استعداد های روحی و جسمی آنان دست میزنند موافقیم . اما موافق نیستیم که فلان زن شهرستانی به جرم داشتن یك کرم هروئین سالها در زندان بماند ولی گردانندگان باند ها میلیونها بجیب بزنند و مصون از هر گونه کیفری در کاخ های مجلل خود و یا در پایتختهای کشورهای اروپا و بلغریحی و عباسی مشغول باشند . اما این سر کرده ها کیانند ؟

سال ۱۳۳۱ در فرودگاه مهر آباد دو چمدان مملو از بسته های گرد هروئین توسط مأموران گمرك فرودگاه توقیف شد . این دو چمدان متعلق به اشرف خواهر شاه بود . در آنهنگام نیروی پر توان جنبش و وجود دولت ملی ، جلوی بسیاری از سوء استفاده های دربار را سد کرده بود. اشرف که همه ثروت خود را در پشت میز های قمار در پایتختهای اروپا بر باد داده بود ، با همکاری باند های بین المللی دست به قاچاق هروئین زد چیزی که از آن در ایران سابقه نداشت .

در سال ۱۳۳۹ بار دیگر پلیس سویس چندین چمدان محتوی بسته های هروئین نزد اشرف کشف نمود . این بار پول و زور برادر تاجدار خواهر قاچاقچی را از تعقیب نجات داد .

پس از وضع و تصویب قانون منع کشت خشخاش در سال ۱۳۳۴ که بنا به تقاضای کمیسیون مواد مخدره سازمان ملل متحد انجام شد ، اعضاء خاندان سلطنتی و عده دیگری از افراد هیئت حاکمه ، عرصه را برای پخش هروئین ، کوکائین ومرفین و قاچاق تریاك مناسب دیدند . از طرفی با منع کشت خشخاش بهای مواد مخدره و پیش از همه هروئین افزایش یافت و این امر منجر استفاده های کلان مادی بود و از طرف دیگر شیوع مواد مخدره برای هیئت حاکمه و حامیان امپریالیست او جنبه اجتماعی سیاسی داشت . همه میدانند که امپریالیسم مرکز اصلی ساخت و پخش هروئین است . هدف مونوپولهای امریکائی و گردانندگان سازمان جاسوسی امریکا از پخش این سم کشنده در بین جوانان کشور ما و از جمله خود امریکا کشتن روح پرخاش و مبارزه در آنان ، بر کنار داشتن آنها از شرکت فعال در زندگی اجتماعی و سیاسی مهیاشان و تبدیل آنها به عناصر عاطل ، بیمار گونه ، فاقد تحرك و جنبش و درویش مسلك است . اجرای این وظیفه شرافتمندانه !! را در ایران اعضاء خاندان سلطنتی بر عهده گرفتند . باند های نیرومندی از دربارایان متعدین آنها ، مأموران سازمان امنیت ، برخی از کارمندان سیاسی وزارت امور خارجه و کارشناسان و مستشاران امریکائی تشکیل شد و با استفاده از مصونیت قانونی خود و در پناه قدرت دربار سالیانه خروار بار تریاك از مرز گذراندند و چمدان چمدان هروئین و مرفین و مازی جوانا به ایران وارد کردند . نتیجه آن شد که پس از کمتر از ده سال یعنی تا سال ۱۳۴۲ ایران از لحاظ مصرف هروئین در جهان بر تبه ششم ارتقاء یافت ! در گزارشگری که روزنامه «اومانیته دیمانش» ترسیم نموده و ارتباط منطقی بین بیسوادی، اعتیاد و درجه عقب ماندگی را در برخی از کشور های جهان نشان داده است ، ایران در شمار پیشرفته ترین این کشور هاست !!

هم‌اکنون نزدیك به یك میلیون هروئینی و افیونی در کشور ما وجود دارند که اکثریت آنانرا جوانان بین ۱۶ تا ۲۵ ساله تشکیل میدهند ، جوانانی که ملال زندگی بکنواخت ، و یا غم بی سر و سامانیشان را با گرد مهلك هروئین درمان میکنند . اعضاء باند های قاچاق هروئین این زهر مهلك را به بهائی گرانتر از زر به قربانیان ثروتمند خود میفروشند و مشتریان بی سیم و زر را در ازاء یك یا دو دهه هروئین مجانی به بردگی شیطان سفید در میآورند و آنها را به

دنباله در صفحه ۷

دنباله از صفحه ۱

پیام بمناسبت اول ماه مه

ضمین سود های کلان برای صاحبان سرمایه معنای دیگری نمیتواند داشته باشد . علاوه بر این از جانب طبقات حاکمه محرومیت های مادی و معنوی دیگری بزنده گی شما و عائله زحمتکشان تحمیل میشود. دولت و کارفرمایان از اجرا مقررات ناقص قانون بیمه های اجتماعی سر باز میزنند ، بدستاویز های گوناگون حقوقی را که در نتیجه یك عمر مبارزه طبقه کارگر ایران بدست آمده است پایمال اغراض سود جویانه خود میکنند ، بیکاری بر اردان و خواهران کارگر شما را مانند وسیله تهدیدی برای پائین نگاهداشتن دستمزد ها و جلو گیری از مطالبات حقه شما بکار میبرند ، بعناوین گوناگون مانع استفاده از حقوق سندیکائی میشوند و با توسل بزور و تهدید پلیس از رشد دگی و بیکار جوئی اتحادیه های صنفی شما میکاهند و میکوشند آنها را بصورت آلت [illegible] مقاصد خویش در آورند .

در برابر چنین وضعی سکوت جایز نیست . امروز زن مخصوص طبقه ی کارگر درجامعه ی ایران بسرعت بالا میرود . افرادیکه از بازوی خود ارتزاق میکنند اکنون بیش از یك سوم جمعیت فعال کشور ما را تشکیل میدهند و رفته رفته طبقه کارگر به مهمترین عامل حیات اقتصادی کشور مبدل میگردد .

این نیروی عظیم در صورتیکه متحد و متشکل باشد و بطور قاطع و پیگیر در راه بدست آوردن حقوق صنفی و اجتماعی خود بیکار کند هیچ قدرتی در برابر آن یارای مقاومت ندارد .

بنابراین حربه اساسی شما اتحاد ، تشکل و مبارزه است . بیش از ۱۲۲ سال است که شمار معروف « پرولتاریای سراسر جهان متحد شوید » از طرف پیشوایان داهی طبقه کارگر کارل مارکس و فردریك انگلس مطرح شده است . طی این مدت جنبش طبقه کارگر بین المللی نه تنها توانسته است تحت این شعار به پیروزیهای صنفی و اجتماعی درخشانی برسد بلکه توفیق یافته است که در کشور هائی از جهان ، کشور های سوسیالیستی قدرت را بدست گرفته ، جامعه ی خالی از بهره کشی انسان از انسان استوار سازد .

روز اول ماه مه که باز تحت رهبری این پیشوایان بمثابه جشن کارگری سراسر جهانی اعلام گردیده بمنظور نمایش این قدرت اتحاد ، تشکل و همبستگی طبقه ی کارگر در برابر اتحاد بهره کشان بوجود آمده است . در این روز نباید خاموش نشست . طبقه ی کارگر ایران که بخشی از جنبش کارگری جهان است باید بهر نحو که امکان پذیر باشد از این حق مشروع خود استفاده کند و مناسبت روز اول ماه مه شمار های مطالباتی خود را علناً ، متحداً و بی پروا مطرح سازد .

زحمتکشان ایران در شرایط گوناگون گاه نهان و گاه آشکار جشن اول ماه مه را بر گزار کرده اند . امسال جشن اول ماه مه مقارن با یکصدمین سال میلاد لنین بزرگ رهبر طبقه کارگر سراسر جهان و دوست ارجمند زحمتکشان ایران است . لذا بجاست که در این روز طبقه کارگر ایران بزرگداشت نام نامی این رهبر داهی را در سر لوحه شعار های خود قرار دهد .

کارگران ! زحمتکشان ایران !

برای استقرار مجدد جشن اول ماه مه بعنوان جشن رسمی کارگران مبارزه کنید .

برای بدست آوردن حقوق حقه صنفی و آزادیهای سندیکائی خود متشکل شوید !

بزند گی سندیکائی محتوی واقعی ببخشید .

برای بالا بردن سطح دستمزد متناسب با بالا رفتن هزینه زندگی مبارزه کنید .

متحداً با بیکاران بر ضد بیکاری و برای اشتغال بیکاران مبارزه نمائید .

سیاست تفرقه نیرو های کارگری را که رژیم موجود دنبال میکند عقیم گذارید و از حق خود دایر بایجاد سندیکای واحد کارگری چه در مقیاس یك مؤسسه و چه در مقیاس منطقه صنعتی و سراسر کشور استفاده کنید .

در مبارزه سیاسی و اجتماعی نیز چنانکه در خورد نقش اجتماعی طبقه شماست همیشه پیشرو باشید .

علیه انحصار های غارتگر سرمایه داری علیه استعمار نوین، برای استقلال ملی ، صلح دموکراسی ، ترقی صنعتی و کشاورزی و رفاه عمومی مبارزه کنید . بویژه مبارزه در راه آزادیها و حقوق دموکراتیك مردم ایران را در مرکز توجه قرار دهید .

اتحاد خودرابا دهقانان ، دانشجویان ، روشنفکران مترقی ، پیشه وران و کلیه قشر هاونیروهای دیگر ضد امپریالیستی و دموکراتیك جامعه تحکیم کنید .

اشکال صحیح مبارزه را در شرایط کنونی فرا گیرید . مبارزه مخفی و علنی را در آمیزید ، در مبارزات خود هم با احتیاط و دقت و هم با جرأت و جسارت عمل کنید ! براه تسلیم و اپورتونیسم نسروید و در جاده ماجراجوئی و انقلابگری کاذب نیز گام نگذارید .

خود را از نظر فکری و فرا گرفتن دانش مبارزات کارگری مجهز سازید و در این راه از تعلیمات داهیانه لنین بزرگ الهام گیرید .

پاینده و موفق باد طبقه کارگر ایران

پیشاهنگ تحولات مترقیانه کشور ما !

پیروز باد روز اول ماه مه ، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر !

دنباله از صفحه ۱

تظاهرات مردم تهران

شدن پهای اتوبوس مبارزه کنیم » که در ساعات اول تظاهرات ، تنها شعار بسیج کننده بود ، بمرور که تظاهرات گسترش یافت ، به شعار اعتراض به سنگینی بودجه تسلیحات تکامل یافت .

۲) ویژگی تظاهرات

— مبارزه انتظام یافته و متشکل بود .

— در پیرامون اتحاد کارگران، دانشجویان و اصناف قشرهای وسیعی از مردم متحداً به میدان مبارزه وارد شدند . علاوه بر آنکه تظاهرات از پشتیبانی قشر های مختلف مردم صرفنظر از شرکت یا عدم شرکتشان برخوردار بود.

دنباله از صفحه ۶

تظاهرات پرشور اسفند

درهم شکنند ، با پیوستن کارگران وفرهنگیان و بازاریان به اعتصابیون ، اعتصاب همگانی شد و دولت ناچار شد عقب نشینی نماید و دستور دادند که خطوط بحالت سابق بر گردد و بلیطها بشکل سابق باشد .

بخش ترا کتهای متعدد برای آزادی دستگیر شدگان و تظاهرات وسیع بنفع آنها دولت را وادار نمود که ۱۵ اکتبر ا دشتهارا آزاد نماید و بقیه را به زندانهای مختلف فرستادند، ولی دانشجویان و دانش آموزان مبارز دوستان خود را از یاد نبردند و تصمیم گرفتند برای یك اعتصاب عمومی تدارك ببینند و آزادی رفقای خود را طلب نمایند . در روز نهم اسفند دولت مجبور شد در زندانها را باز کند و دختران و پسران دستگیر شده را رها سازد . در این روز در دانشگاهها و دیگر مؤسسات عالی آموزشی ، دانشجویان این پیروزی بزرگ را بهم تبریك میگفتند و با هم روبوسی میکردند .

در جریان تظاهرات سه روزه این شعار ها روی پلاکها و یا تراکتها دیده میشد ، « مردم تهران برای اعتراض به گران شدن قیمت اتوبوس همه جا نیامده مبارزه کنیم » ،

— تظاهر کنندگان در برابر فشار پلیس پیگیری و پایداری شایان تحسین از خود نشان دادند .

تظاهرات تهران بار دیگر بر ادعای کسانی که مبارزه در راه شمار اقتصادی را باید مستقیم به گیرانه شط بطلان کشید و اثبات نمود که مبارزه در راه مطالبات اقتصادی مردم از مبارزه بخاطر خواستهای سیاسی گسستنی نیست و این دو مکمل یکدیگرند . پیروزی یك شعار ، اعم از اقتصادی و سیاسی میتواند مشوق و بسیج کننده مردم در مراحل بعدی مبارزه باشد .

تظاهرات تهران نه تنها دارای اهمیت اقتصادی است ، بلکه واجد اهمیت سیاسی نیز هست و علا نشان میدهد که رفورمهای شاه در زمینه جلب افکار عمومی کاری از پیش نبرده است و اگر هم در آغاز در عده ای معدود امیدی کاذب بر انگیخت ، بمرور مردم می بینند که نه تنها گرهی از کار فروبسته شان گشوده نشده بلکه عملا با دشواریهای تازه ای روبرو هستند .

ما قدرت تشکل ، آگاهی ، تدبیر و استواری مردم مبارز تهران ، کارگران ، دانشجویان، اصناف ، کارمندان و فرهنگیان را می ستائیم و تظاهرات چند روزه اسفندرا نمودار ی بیداری و رشد روز افزون پیکار جوئی توده ها میدانیم، اعتراضات گاه موضعی و گاه گسترده مردم مظهر استقامت خلقهای زحمتکش ایران است ، نشان میدهد که قدرت سر نیزه ابدی نیست و مردم با وجود شرایط دشوار راههای مبارزه رامی جویند و می یابند.

اتحاد ، مبارزه و پیروزی مردم در تظاهرات چند روزه اسفند ، باید برای کسانی که به بهانه های گوناگون مانع از وحدت نیروهای مخالف رژیم هستند بسی پند آموز باشد .

مینو

دنباله از صفحه ۶

مبارزه با قاچاق

همکاری با خود یعنی فروش هروئین وجستجوی مشتریان جدید وادار میکنند . بدین ترتیب است که تعداد معتادان روز بروز بیشتر میشود و مصرف هروئین پیوسته افزایش مییابد.

در تمام این سالها همه دولتهائی که آمده اند و رفته اند بجای دستگیری باند های قاچاقچی و مجازات آنان به تنبیه « معتادان » اکتفا کردند . زندانها پر از هروئینی و افیونی شده آنها را از مشاغل اداری خود برکنار کردند و حتی به پس گرفتن زمین از دهقانان معتاد اقدام نمودند . در حالیکه سرکردگان سیاه دل باند ها و اعضاء متنفذشان ، با تکیه بر حامیان داخلی و خارجی خود همچنان به حرفه کثیف خود ادامه داده و میدهند .

در اواسط ماه ژانویه امسال یکی از خوشاوندان فرح که حامل مقداری مواد مخدره بوده است در فرودگاه لندن دستگیر شد و کوششهای سفارت ایران در لندن برای لوث مطلب ناموفق ماند .

دولت مدعی مبارزه با قاچاق مواد مخدره خود مجدداً بیانه آنکه ترکیه واقعاً نتاریه کشت خشخاش ادامه میدهند ، کشت خشخاش را مجاز شمرده . خاطر افراد است که فقط به پیران و بیماران جواز تریاك داده شود . ولی کیست که نداند در دستگاه فاسد و بوروکراتیسم اداری ایران این خود وسیله سوء استفاده های جدیدی خواهد بود و صدور جواز تریاك و خرید و فروش آن جیب عده دیگری از متنفذین را خواهد انباشت . اعدام های اخیر نیز که دامنگیر افراد « شبکه ها » شده ، موجب افزایش سرسام آور مواد مخدره خواهد شد و سر کردگان باند ها در دربار و دولت در پناه مصونیت سیاسی خود پولهای باد آورد را بجیب خواهند زد . مبارزه جدی و اصولی با قاچاق و اشاعه مواد مخدره باید از مجازات و اعدام سرکردگان باند ها آغاز شود . سرکردگانی که در دربار و دولت نشسته اند .

آزاده

«تا گرانی نرخ اتوبوس باقی است از سوار شدن خود داری کنید» « متحداً علیه رژیم و تصمیمات غلاظ و شداد رژیم مبارزه کنیم» «بجای فانتوم و بنجهای جنگی زندگی را ارزان کنید» ، « شرکت واحد دزد است » مال مردم را میدزد» «بلیس باید اسلحه اش را روی دزدها بکشد» «اتحاد مبارزه پیروزی تنها با مبارزه است که میتوان حقوق از دست رفتهٔ مردم را باز یافت» .

همانطوریکه در تراکت منتشره از طرف سازمان حزب ما در تهران نوشته شده است، در جریان این تظاهرات وسیع ، فداکاریهای زیادی شد و تجارب گرانبهائی بدست آمد . در این تظاهرات بیش از سه هزار نفر دستگیر شدند ، در چند نقطه تیر اندازی هوائی شد یك دانشجو شهید و تا آتش زد و دانشجویان و محصلین و زحمتکشان تهران در مقابل حملات وحشیانهٔ پلیس متحداً مقاومت نمودند واقدامات آنها را در چندین معل خنثی کردند.

برغم نفاق افکنان و خرابکاران
حزب ما مبارزه اصولی خود در راه اتحاد همه نیروهای ملی ادامه خواهد داد

« ایران آزاد » در شماره آذر ماه ۱۳۴۸ خود، ضمن ناسزا گوئی و اتهام زنی به حزب توده ایران، این بار برغم یك «اتهام» از خود نیز پرداخته است. اتهام اینست که گویا هواداران «ایران آزاد» با حزب توده ایران «ائتلاف» کرده اند. بنظر «ایران آزاد» علت اینکه چلبیشری «دروغ و تهمت» است اینستکه حزب توده ایران «هم در گذشته هم در حال» مدافع «منافع اتحاد شوروی» و دشمن «منافع مردم» بوده و بهمین جهت «جبهه ملی هیچگاه حاضر به نزدیکی و همصدائی با رهبری حزب توده نخواهد بود.»

روش ضدتوده ای وضدشوروی «ایران آزاد»

اینکه «ایران آزاد» روش ضدتوده‌ای و ضد شوروی را «سنت و وظیفه» خود قرار داده و از هر فرصتی برای ناسزا گوئی و اتهام زنی به حزب توده ایران و اتحادشوروی استفاده میکند، مطلب تازه ای نیست.

در برابر این روش حزب ما با احساس مسئولیت کامل در مقابل جنبش ضد امپریالیستی و دمو کراتیك مردم ایران روش اصولی خود را قرار داده است: حزب ما زیانبخش بودن روش ضد توده ای و ضد شوروی و انحرافات گوناگون سیاسی و ایدئولوژیك را که در بین گروههای معین اپوزیسیون ضد رژیم (ازجمله ایران آزاد) وجود دارد، افشاء وبا آن مبارزه میکند. حزب ما هرگز امکان و اجازه نداده است که وی را از مبارزه اساسی و عمده او یعنی مبارزه بر ضد امپریالیسم خارجی و ارتجاع داخلی منحرف سازند. حزب ما لحظه ای هم تردید و تزلزل در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای ملی ودمکراتیك، که کلید اصلی برای انجام انقلاب ملی و دمکراتیك در ایران است، از خود نشان نداده است.

اتحاد چگونه و بر چه پایه ای صورت میگیرد

سیاست اتحاد حزب توده ایران نه تاکتیك است و نه مانور، نه بندوبست انتخاباتی است و نه تسلیم و خوش آمد گوئی در برابر نیروهای دیگر. این اتحاد نه با تمایل وارادهٔ کسی بوجود میآید و نه از بین میرود. این سیاست نتیجه تحلیل علمی جامعه ایران است که اتحاد همهٔ نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیك را برای انجام انقلاب ملی و دمو کراتیك یك ضرورت تاریخی مبدل ساخته است. این اتحاد در جریان مبارزه و براساس تجربه شخصی توده‌ها، با اتخاذ سیاست صحیح از جانب همهٔ نیروها و کوشش پیگیر برای تحقق آن عملی میگردد. این اتحاد با حفظ استقلال سازمانی و ایدئولوژیك همه نیروها و براساس خواست و هدف مشترك، که در برنامه مشترك مبارزه منعکس میگردد، امکان پذیر است. و تا زمانی که این اتحاد باچنین مختصاتی بوجود نیاید علیرغم انقلابی ترین شعار ها و آتشین ترین گفتار ها و نوشته ها و با وجود مبارزات گوناگون، که با شور و فداکاری و قهرمانی نیز توأم است، تسلط امپریالیسم و ارتجاع از میهن ما ریشه کن نخواهد شد.

تضاد بین حرف و عمل

سازمانهای جبهه ملی در اروپا وامریکا هم ضمن اعلام «اتحاد سازمانی» خود در اطلاعیه مشترك خویش (ایران آزاد، شماره دیماه ۱۳۴۸) مینویسند، «ما دریافته ایم که تنها اتحاد هر چه عمیق تر و وسیعتر کلیه نیرو های خلق میتواند پیروزی جنبش نجات بخش ملت را تضمین نماید.» ما هم اتحاد سازمانی جبهه ملی اروپا و امریکا را گام مثبتی در راه اتحاد نیروهای ملی تلقی میکنیم و بهمین جهت آنرا تهنیت میگوئیم و هم خوشحالیم که این سازمانها ضرورت و صحت مبارزه در راه اتحاد همه نیرو های خلق را دریافته اند و کوشش در این راه را وظیفه خود قرار داده اند. چون ما همیشه از تشتت و تفرقه فکری و سازمانی بین سایر نیرو های اپوزیسیون ضد رژیم متأسف بوده ایم واتحاد درونی این نیرو ها را یکی از شرایط اتحاد بین خود و آنها و اتحاد همه نیرو های ملی تلقی کرده ایم.

ولی آیا این روش با روشی که «ایران آزاد» بعنوان ارگان سازمانهای جبهه ملی در اروپا در برابر حزب توده ایران دارد، متضاد نیست؟ شاید گردانندگان این روزنامه فکر میکنند میشود حزب توده ایران را از سایر نیروهای ملی جدا کرد و اتحاد بین نیرو های خلق را بدون حزب توده ایران و حتی با دشمنی و مبارزه با آن بوجود آورد؟ و شاید بهمین دلیل است که کسانی در جبهه ملی خارج از کشور دائماً میکوشند ثابت کنند که حزب توده ایران «ملی» نیست.

ولی آخر هر کسی که کمترین آشنائی با تاریخ معاصر ایران داشته باشد، هر کس که از کمترین حسن نیتی برخوردار باشد، میداند که با هیچ ناسزا و اتهام و سفسطه‌ای نمیتوان حزب ارانی و روزبه را «غیر ملی و ضد ملی» شمرد. درست برعکس، حزب توده ایران بشهادت تاریخی که هنوز کاملا تازه و زنده است پیشگام مبارزه برضد امپریالیسم و ارتجاع، آغازگر مبارزه بر ضد سلطنت مطلقه، مدافع سرسخت و پیگیر حقوق کارگران، دهقانان، روشنفکران، زنان و جوانان و همه زحمتکشان ایران بوده است. حزب توده ایران جنبشی را در ایران بوجود آورد و رهبری کرد که در طول تمام تاریخ میهن ما نظیر ندارد. فداکاریها و قهرمانیهای اعضاء حزب توده ایران را در راه آرمانهای حزب توده ایران، یعنی در راه استقلال و دمکراسی و عدالت میتوان در ردیف فدا کاریها و قهرمانیهای سایر خلقهای جهان قرار داد. مگر نه اینستکه امپریالیسم و ارتجاع ایران بسر کردگی شاه و بنا باعتراف خود، دشمن اصلی خویش را - یعنی - حزب توده ایران میدانند و بهمین جهت بیشترین فشار را بر روی آن وارد میآورند؟ چگونه میتوان میهن پرست و آزادیخواه بود و حزب توده ایران را «غیرملی» دانست؟ چگونه میتوان در راه اتحاد همه نیروهای خلق مبارزه کرد و حزب توده ایران را حذف نمود؟ چگونه میتوان امید به پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیك ایران داشت و با حزب توده ایران خصمانه رفتار کرد؟

روشن است که با این اتهامات نه میتوان بر چهرهٔ ملی و انقلابی حزب توده ایران سایه انداخت و نه نقش تاریخی آنرا نفی کرد. کسان کمی بودند که در گذشته همین راه نابهبودن را در پیش گرفتند و ناکام شدند. سرنوشت اتهام زنان جدید هم بهتر از این نخواهد بود. نگرانی ما از این نیست. نگرانی و تأسف ما اینست که چنین روشی کار اتحاد همه نیرو های خلق را مشکل و حتی غیر ممکن میسازد، چنانکه ساخته است. و اگر درست است که این اتحاد کلید پیروزی است، آنوقت هرکس، تحت هر عنوان و بهر بهانه ای این نیرو های ملی نفاق افکنند و اخلال کنند، عملا به امپریالیسم و ارتجاع خدمت کرده است.

مبارزه حزب ما در راه اتحاد

ادامه خواهد داشت

خبر «ائتلاف» حزب توده ایران وهواداران «ایران آزاد» دروغ و تهمت است. دراین مسئله تردیدی نیست. ولی این تکذیب نمیتواند و نباید موجب خوشحالی باشد. به این دلیل ساده که آنها که میخواهند از اتحاد بین نیرو های خلق و قبل از همه بین حزب توده ایران و سایر نیرو های ملی جلو گیری کنند، اختلافات را دامن بزنند و تشدید کنند، به هدف خود رسیده اند. و «ایران آزاد» نه با تکذیب خبر (که واقعیت ندارد)، بلکه با تکرار ناسزاها و اتهامات خود به حزب توده ایران به آنها کمك کرده است.

بهمین جهت است که حزب توده ایران بار دیگر بهمه نیرو های ملی، بهمه آنها که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع و مدافع اتحاد همه نیرو های خلق هستند، هشدار میدهد که سیاست ضد توده ای و ضدشوروی را که بهمین مبارزه و بهمین اتحاد تا کنون لطمات فراوانی وارد کرده طرد کنند.

پیروزی اعتصاب کارگران نفت جنوب

از روز ۴ تا ۱۳ فروردین ۱۳۴۹ کارگران نفت آبادان و ماهشهر برای اعتراض بطرح جدید طبقه بندی مشاغل کارگران نفت جنوب که آنها را از دریافت اضافه دستمزد محروم میکرد دست باعتصاب زدند. تهدید و توطئه رؤسای شرکت و سایر ارگانهای دولتی برای شکستن اعتصاب مؤثر واقع نشد و پایداری کارگران سرانجام رؤسای شرکت را مجبور به صدور اعلامیه‌ای مبنی بر انصراف ازطرح جدید نمود. ما پیروزی کارگران را صمیمانه تبریك میگوئیم. باز دیگر نشان داده شد که اتحاد وثیقهٔ پیروزی است.

تسلیت

با نهایت تأسف خبر درگذشت علامه حاج آقا بزرگ تهرانی (منزوی) پدر رفیق شهید ما ستوان دکتر محمد رضا منزوی را در شهر نجف دریافت داشتیم. فقید سعید از مبارزان صدر مشروطیت بود و در دوران کنونی با رژیم مستبد محمد رضا شاه مخالفت میورزید. شاه چندین بار برای جلب او کوشش هائی بعمل آورد ولی موفق نشد. علامه منزوی در پاسخ گفته بود بهتر است قبل از هر چیز مغفرت پسرم را که زیر شکنجه بقتل رسانیدید بمن نشان دهید. فقید سعید دارای مقام شامخ علمی است. وی مؤلف «ذاریعه المعارف کتاب شناسی» است که تا کنون ۲۰ جلد آن انتشار یافته و تألیفات دیگری نیز دارد. در جلد دهم دائره المعارف خود بمناسبت سالگرد روز ۲۹ اسفند روز ملی شدن منابع نفت که مصادف با روز شهادت فرزند مبارز او ستوان منزوی است، از جنایت دستجمع سازمان امنیت یاد نموده و قتل فرزند دلبند خود را بدست دژخیمان شاه، پادشاه «هیئت حاکمه ایران در برابر خدمات خود به تاریخ و ادب ایران شمرده است.

تشییع جنازه علامه منزوی با تجلیل فراوان و شرکت جمع کثیری از مردم نجف و کربلا انجام شد. مردم تشییع جنازه او را به نمایش ضد رژیم محمد رضا شاه بدل کردند. ما در گذشت دانشمند فقید را به خانوادهٔ منزوی صمیمانه تسلیت میگوئیم.

هموطنان گرامی!

برای پشتیبانی از استقرار صلح در ویتنام، برای دفاع از صلح جهانی، پیام زیر را امضاء نموده و به پیکن رادیو پیك ایران ارسال دارید.

❀ ❀ ❀

جهت تضمین حقوق سیاسی ملی خلق ویتنام، استقلال، حاکمیت، وحدت، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت مردم ویتنام جنوبی، خروج کامل، فوری و بلا شرط نیروهای امریکا و متفقین آنرا از خاك ویتنام جنوبی طلب میکنیم.

متن پیام هیئت دیپلمه شورای جهانی صلح
۶ آوریل ۱۹۷۰

زیرا که چنین موضعی نه تنها به اتحاد نیرو های ضد رژیم کمك نمیکند بلکه بیکس در جهت پراکندگی این نیرو ها و ایجاد نفاق بین آنها سیر میکند، امری که تا کنون بنفع امپریالیسم و ارتجاع تمام شده و ادامه آن نیز جز این نتیجه ای بیار نخواهد آورد.

حزب توده ایران برغم نفاق افکنان و خرابکاران مبارزه اصولی خود را در راه اتحاد همه نیرو های ملی ادامه خواهد داد. حزب ما تردیدی ندارد که این سیاست اصولی، که ناشی از ضرورت تاریخی جامعه ما و انقلاب ماست، سرانجام پیروز خواهد شد. م. انوشه